

اعتبار سنجی متنی احادیث مربوط به "بشاره الرسول (ﷺ) بالمهدی (عج)" در نسخه خطی "منهاج اولی الألباب بنهج السداد وطرق الرشاد" با نگرشی بر شواهد و متابعات فریقین

ریحانه سادات عمادی استرآبادی^۱، سیده فاطمه هاشمی^۲، حبیب الله عظیمی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۴/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۵/۲۷)

چکیده

اعتقاد به ظهور منجی در آخرالزمان از موضوعات مورد اتفاق فریقین می باشد و در منابع روایی عامه و خاصه بر این موضوع تأکید و تصریح شده است. نسخه خطی کتاب "منهاج اولی الألباب بنهج السداد وطرق الرشاد" تألیف احمد بن شریف (قرن هشتم ه.ق) پیرامون احتجاج بر حقانیت شیعه با استناد به روایات و احادیث مورد قبول و موجود در کتب روایی عامه، از جمله آثار ارزشمندی است که در آن به مهدویت و بشارت پیامبر (ﷺ) به ظهور حضرت مهدی (عج) نیز پرداخته شده و چند روایت در این زمینه را از طرق اهل سنت و با ارجاع به کتب مورد قبول آنها تحت عنوان "بشارة الرسول بالمهدی" بیان داشته است. در این مقاله با توجه به شواهد و متابعات فریقین و اعتبارسنجی متنی، روایات این باب نسخه خطی به روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته و محرز گردید که اگر چه در خصوص اسناد احادیث و الفاظ آن حصول تواتر ممکن نیست، لیکن تواتر معنایی و وثاقت صدور آنها ما را به حصول اطمینان و یقین در مورد اصل ظهور منجی، انتساب وی به پیامبر (ﷺ)، معیت و اقتدای حضرت عیسی (ع) به ایشان و هدف از ظهور منجی رهنمون می سازد.

کلید واژه‌ها: نسخه خطی "منهاج اولی الألباب بنهج السداد وطرق الرشاد"، بشاره الرسول (ﷺ) بالمهدی (عج)، تحلیل متنی، شواهد و متابعات فریقین.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران؛

reyhanehemadi@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

dr.fat.hashemi@gmail.com

habibazami@yahoo.com

۳. دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران؛

مقدمه

نسخه خطی کتاب "منهاج اولی الألباب بنهج السداد و طرق الرشاد" توسط احمد بن شریف (قرن هشتم ه.ق) همزمان با حکومت و استیلای مغول و اضمحلال حکومت خلفای عباسی تألیف شده است و از این رو امکان ابراز عقیده برای اقلیت همواره مورد آزار و اذیت شیعه و انشاء عقاید ایشان در قالب کتب و تالیفات احتجاجی و استدلال جهت اثبات عقیده حقه^۱ بیشتر فراهم بوده است.

با مراجعه به منابع متعدد رجال و کتاب شناسی از جمله طبقات اعلام الشیعه، الذریعه، الاعلام زرکلی، روضات الجنات و... نشانی از مؤلف بدست نیامد و در مجموع می‌توان گفت مؤلف ناشناخته است، تنها اطلاعی که از نویسنده بدست آمده است در کتاب موسوعه مؤلفی الإمامیه (جمعی از نویسندگان، ۲/۴۵۷، ۴۵۸) می‌باشد که در آنجا به نام نویسنده، قریبی که در آن می‌زیسته، نام کتاب و تک نسخه بودن آن اشاره شده است. مؤلف نیز در ابتدای نسخه خطی نام خود را احمد بن شریف ذکر می‌کند و در پایان نسخه نیز بیان می‌دارد که شیعه است: «وما أنا إلا مسلم متشیع». احتمال دارد یکی از دلایل ناشناخته باقی ماندن مؤلف این باشد که یک اثر تألیفی از وی به جامانده و از آن نیز فقط یک نسخه خطی در میان نسخ خطی شیعه می‌باشد، لذا در منابع رجال و کتاب‌شناسی مغفول مانده است. با توجه به این مطلب، ویژگی‌های تألیف وی تبیین می‌گردد تا نکات برجسته این اثر معرف مؤلف باشد.

از این کتاب فقط یک نسخه در کتابخانه مسجد گوهرشاد حرم مقدس رضوی به دست آمده و تلاش جهت وصول به نسخ احتمالی دیگر بی‌نتیجه مانده است. همچنین تحقیق و تصحیحی در رابطه با این نسخه صورت نگرفته و تا کنون به زیور طبع آراسته نشده است. این نسخه خطی مشتمل بر یک خطبه آغازین و مقدمه می‌باشد و محتوای کتاب به دو بخش تقسیم گردیده است به شرح:

۱- بخش نخست به اثبات حقانیت فرقه ناجیه و ولایت امیرالمومنین (ع) و اهل بیت (ع) و بیان فضائل ایشان از جمله بشارت به ظهور منجی و ضلالت مخالفین و معارضین اهل بیت (ع) پرداخته است.

۲- بخش دوم موضوعات و ابواب متنوعی مانند بیان عقائد اهل جبر و رد آن، اعتقادات مذاهب اربعه، نحوه حکومت خلیفه اول و دوم و جریان متعه‌های حرام شده در زمان ایشان و... را شامل می‌شود، که با توجه به اهمیت موضوع ظهور منجی و عدم امکان بررسی تمام احادیث مورد استناد و احتجاج مولف در این مقال، تنها ۹ حدیث با عنوان بشاره الرسول بالمهدی از احادیث مندرج در نسخه خطی "منهاج اولی الألباب بنهج السداد و طرق الرشاد" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از ۹ حدیث مطرح شده به تحلیل متنی ۴ مورد آن می‌پردازیم و ما بقی احادیث به عنوان حدیث شاهد آورده می‌شوند. ویژگی اصلی این نسخه خطی، استناد به احادیث معتبر و مورد وثوق عامه می‌باشد که در کتب روایی و مورد قبول و اعتنای ایشان نقل گردیده است و نیز از باب «الفضل ما شهدت به الاعداء» اعتراف ناخواسته اکابر علماء و اعظم روای مخالف شیعه بر حقانیت مذهب اثنی عشری که در جای جای کتب معتبر و مشهور آنها ثبت و نمایان است حجت را بر هر اهل فضل و دانش منصفی تمام کرده و راه را بر هر معاند بهانه‌جویی منسد می‌کند. نامگذاری کتاب نیز مشعر بر همین معنا است. مؤلف در نسخه خطی «منهاج اولی الألباب بنهج السداد و طرق الرشاد»، نام دیگری برای کتاب خود ذکر نموده است، که آن نیز به نوعی اشاره و دلالت بر محتوای کتاب می‌باشد. نام دیگری که مولف برای اثر خود برگزیده «کاشف الغیاب فی ابطال المذاهب» می‌باشد.

در تمام مذاهب ابراهیمی و حتی بسیاری از ادیان غیر ابراهیمی (هندو، بودا و ادیان آسیای شرقی) اعتقاد به صلاح و نجات بشر به وسیله ظهور کسی که جهان را از ظلم و ظلمت نجات داده و باعث رشد و تعالی نوع انسان می‌شود، کم و بیش وجود دارد. پیامبران الهی نوید رسیدن روزگاری عاری از ظلم و جور را به پیروان خود داده‌اند: «آنگاه در

سراسر زمین ما سلامتی و عدالت برقرار خواهد شد، باشد که پادشاه به داد مظلومان برسد و از فرزندان فقیر حمایت کند و ظالمان را سرکوب نماید». (عهد عتیق، مزامیر داوود، ۷۲/۳)، «و او (منجی موعود) امتها را داوری خواهد کرد و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد» (اشعیای نبی، ۴/۲ و ۵)، «در پایان کار، خداوند منتظران را وارث زمین معرفی می‌کند» (مزامیر داوود، ۳۷/۹ و ۱۰ و ۲۹ و ۳۰۹) و در آیین هندو نیز از نجات دهنده و موعود به نام «آواتا» سخن به میان آمده و در منابع هندوها در کتاب اوپانیشادها (وپانیشاد، ۷۳۷) مطرح شده است.

برخی از این بشارت‌ها به قدری از دقت و حتمیت برخوردار است که حتی نام موعود نجات بخش را نیز بیان کرده‌اند. در اسلام نیز عامه و خاصه هر دو بنا بر روایات متقن و معتبر به چنین عقیده‌ای معتقدند و اگرچه در جزئیات با هم وفاق و اشتراک ندارند، لیکن اصل موضوع جزو مشترکات عقاید بین ایشان است.

۱- طرح مسئله

در این نوشتار به این پرسش اساسی پاسخ داده خواهد شد که اعتبار احادیث مورد استناد و روایات مورد احتجاج مؤلف کتاب در خصوص انتساب منجی موعود به عترت پیامبر ﷺ و مشخصاً به حضرت زهرا (س)، کیفیت و چگونگی ظهور و خصوصیات ایشان از نظر متنی و شواهد و متابعات^۱ تا چه میزان مورد قبول و قابل اتکا بوده و با منابع روایی

۱. حدیث شاهد: از اصطلاحات بکار رفته در علم حدیث بوده و به حدیث مفردی که مفهوم آن به سند دیگری نقل شده، اطلاق می‌شود. و نیز به حدیثی که راوی دیگر با راوی آن در نقل از صحابه دیگری در لفظ و معنای حدیث موافقت داشته باشد، را گویند (عبدالوهاب، المعتصم من مصطلحات اهل الاثر، ۳۰؛ هاشمی شاهرودی، بحوث فی علم الاصول، ۳۱۸/۷؛ سیوطی، تدریب الراوی، ۲۸۳) حدیث متابع: نوع دیگری از حدیث وجود دارد که تعریف آن با برخی از تعاریف حدیث شاهد یکی است و آن حدیث متابع است. در تعریف آن گفته شده است: حدیث متابع حدیثی است که راوی دیگر با راوی آن در نقل از شیخ یا کسی که ما فوق آن شیخ است موافقت داشته باشد، مثل این‌که علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از ... حدیثی را نقل کند و راوی دیگری غیر از علی بن ابراهیم نیز همین متن را از ابراهیم بن هاشم از ... نقل نماید. روی این جهت گاهی شاهد بر متابعه و بالعکس در کلام دانشمندان اطلاق شده است (عسقلانی، شرح نخبه الفکر فی مصطلحات اهل اثر، ص ۹۲؛ سخاوی، فتح المغیث، ج ۱، ص ۲۵۶؛ مامقانی، مستدرکات مقیاس الهدایه، ج ۵، ۱۹۷-۱۹۹).

فریقین انطباق دارد؟

برای رسیدن به پاسخ سوالات یاد شده لازم است وثاقت صدوری^۱ احادیث از راه قرائن و شواهد به دست آید.

در این گفتار صرف نظر از اعتبار و وضعیت سندی احادیث مورد مذاقه، که اعتبارسنجی آنها مجال تحقیق و بررسی دیگری را می‌طلبد، مطابق با سیره معمول علما، با توجه به قرائن و شواهد مذکور به اعتبار سنجی متنی^۴ حدیث از احادیث مندرج در نسخه خطی در باب «بشارة الرسول ﷺ بالمهدی (عج)» پرداخته می‌شود و باقی احادیث موجود در باب فوق را به عنوان شاهد و متابعاتی که موید احادیث مورد مطالعه است ذکر می‌گردد تا به واسطه اثبات تواتر اجمالی^۲ نسبت به صدور آنها یقین حاصل شود.

در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در تحلیل محتوا از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

لازم به ذکر است که به طور خاص هیچ کتاب و پژوهش علمی که ارتباط کامل با نسخه خطی مذکور داشته باشد یافت نشده است، لذا پژوهش بر روی این نسخه خطی نوآوری تحقیق را می‌رساند. و اما در رابطه با محتوای اصلی نسخه خطی، از مقالات^۳ و پایان‌نامه^۴ هایی که به‌نوعی پیرامون این موضوع نگاشته شده به عنوان مرور مطالعاتی می‌توان اشاره کرد.

۱. وثاقت صدوری: یعنی اطمینان از صدور یک خبر و روایت از معصومین (ع)، در اصطلاح حدیث شناسی از وثاقت صدوری به وثوق خبری یاد می‌شود (جزایری، هدی الطالبی شرح المکاسب، ۳۶۳/۴)

۲. تواتر اجمالی: چنانچه چند حدیث در یک موضوع وارد شده باشد، اگر چه از نظر سندی مخدوش باشند اما از مجموع آنها به صدور یکی قطع حاصل خواهد شد (خویی، مصباح الأصول، ۱۹۲/۲) (نایینی، اجود التقریرات، ۱۳۷۷ش، ۱۱۳/۲).

۳. نک: پاسخ به نقد حدیث افتراق امت از نظر فریقین. آل مجدد شیرازی، مجله صراط، زمستان ۱۳۹۸، ش ۲۰، ص ۹ تا ۲۶.

بررسی و نقد حدیث فرقه ناجیه، بقایای یمن، مجله مطالعات تقریب مذاهب اسلامی، تابستان ۱۳۹۴، ش ۴۰، ص ۵۷ تا ۶۶.

۴. نک: تصحیح و تحقیق نسخه خطی الشهاب الثاقب لنواصب الأئمة الأطائب، عمادی استرآبادی، استاد راهنما دکتر حسنی رنجبر، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، کارشناسی ارشد، زمستان ۱۳۹۳.

پایان‌نامه اثبات امامت حضرت علی (ع) از نظر حدیث منزلت با تاکید بر شبهات اهل سنت، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳.

۲- بیان و معرفی باب بشارة الرسول ﷺ بالمهدی (عج) در "نسخه خطی منهاج اولی الألباب..."

در نسخه خطی «منهاج اولی الألباب بنهج السداد و طرق الرشاد» مؤلف به بیان ۹ حدیث می‌پردازد که این تعداد از احادیث، تواتر اجمالی آنها را در این مفهوم می‌رساند. قبل از پرداختن به نمونه‌هایی از این روایات مناسب است تأملی در مبحث منجی، لزوم وجود ایشان و خصوصیاتشان صورت گیرد.

دین مبین اسلام که به عنوان کاملترین و جامع‌ترین دین الهی است در آموزه‌های خود مسئله ضرورت وجود حجت الهی را مدنظر قرار داده است. این حجت الهی گاه در قالب نبی و رسول، و گاه به صورت امام معصوم (حاضر یا غائب از انظار) ظاهر می‌شود، مفاد برخی از روایات اشاره می‌کند که اگر زمین لحظه‌ای از حجت الهی خالی باشد اهل خود را فرو می‌برد. (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲۷۲/۱) همچنین پیامبر ﷺ فرمود: المهدی ولدی، اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی، أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً تکنون له غیبة (مجلسی، بحار الأنوار، ۷۲/۵۱) «مهدی فرزند من است، نامش نام من است و کنیه او کنیه من است، شبیه‌ترین مردم از (جهت) خلقت و اخلاق به من است، برای او پنهان شدنی (غیبتی) است».

کثرت روایات درباره وجود منجی و حتمیت ظهور ایشان به حدی است که گروهی از علمای اهل سنت به تواتر احادیث نبوی که درباره حضرت مهدی (عج) آورده‌اند اعتراف کرده و آنها را یقین‌آور دانسته‌اند. از جمله این دانشمندان ابن حجر عسقلانی (فتح الباری، ۲۱۱-۲۱۲)، منصور علی ناصف (التاج الجامع للاصول، ۳۱۰/۵) و ابن ابی الحدید می‌باشند و فرد اخیر که ادعا نموده است که همه فرقه‌های اسلام اجماع و اتفاق دارند عمر دنیا پایان نمی‌پذیرد مگر پس از ظهور مهدی (عج) (ابن ابی الحدید، ۱۰/۹۶).

در سنن ترمذی آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: لا تقوم الساعة حتی یملک العرب رجلاً من اهل بیتی یواطئ اسمہ اسمی، «مردی از اهل بیتم می‌آید که اسم او اسم من است و اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند که مهدی

(عج) دربی آید.» (سنن ترمذی، ۲۷۹/۶)

از نظر عقلی نیز براساس قاعده لطف و واسطه فیض الهی که دائمی، فراگیر و ازلی است وجود این امر لازم است. علامه مجلسی در بحارالأنوار، تحت عنوان «باب الآيات المأوله بقیام القائم»، ۷۷ آیه را که به قیام امام مهدی (عج) تأویل شده در ضمن ۶۶ حدیث آورده است (مجلسی، بحارالأنوار، ۴۴/۵۱-۶۴)، که البته باید توجه داشت که دلالت این آیات بر مقصود یکسان نیست، و برای استناد آیات و احادیث در این مورد بررسی دلالت آیات و ارزیابی سند احادیث ضروری است.

از آیات قابل استناد جهت اثبات مدعا می‌توان به این آیات اشاره نمود:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (الأسراء، ۸۱) «و بگو حق آمد و باطل نابود شد، بی‌تردید باطل نابود شدنی است.» از امام باقر در معنای تفسیر آیه نقل

شده، هنگامی که امام قائم قیام کند دولت باطل برچیده می‌شود. (کلینی، ۲۸۷/۷)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (النور، ۵۵) «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتم آنان را در زمین جانشین کند همانگونه که پیشینیان آنان را جانشین کرد.» از عبدالله بن سنان روایت است که: سألت أبا عبد الله عن قول الله جلّ جلاله وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم قال هم الأئمة. (بهشتی نژاد، جوانی، خلاش، تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ۳۰۶/۱۰) یعنی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه وعد الله الذين... پرسیدم. فرمود: مراد از آیه ائمه هستند.

با نگاه کلی به احادیث وارد شده در این زمینه از رسول اکرم ﷺ می‌توان این روایات

را به ۳ عنوان تقسیم نمود:

۱- روایاتی که به معرفی شخص منجی و نسب و خاندانش بویژه انتساب وی به

خاندان پیامبر ﷺ می‌پردازد.

۲- روایاتی که چگونگی و شرایط ظهور و قیام آن منجی را توصیف می‌کند.

۳- روایاتی که ویژگی‌های دوران ظهور را بیان می‌کند.

لذا اولین و مهمترین مطلب در رابطه با منجی موعود این است که ایشان منتسب به اهل بیت رسول الله ﷺ می‌باشد و برطبق آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (الأحزاب، ۳۳) «به تحقیق که همواره خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت برطرف نماید و شما را چنان که شایسته است پاک و پاکیزه نگه دارد». عصمت و برگزیده شدن او از طرف خداوند متعال محرز و مسلم است. حال اصل روایات مندرج در نسخه خطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. مهدی (عج) من ولد فاطمه

ملاک مهم مهدی (عج) موعود منتسب بودن ایشان به خاندان نبوت است، که با این ویژگی بسیاری از این قلت‌ها از بین رفته و نگرانی‌ها برطرف شده است و این به دلیل صفات برجسته و بارز خاندان نبوت می‌باشد. احمدبن شریف در نسخه خطی، حدیث ذیل را از دیدگاه اکثر اهل اسلام به نقل از رسول الله ﷺ بیان می‌کند:

أنَّ مُحَمَّدَ (صَلَّى) قَالَ: «لَا بَدَّ مِنْ مَهْدِيٍّ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ ابْنَتِي يَظْهَرُ فِيمَا لَأَرْضِ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (حتما مهدی از فرزندان فاطمه (س) دخترم است که ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل و داد کند، همانطور که پر از ظلم و جور شده است). این حدیث دارای شواهد و متابعاتی به شرح ذیل می‌باشد.

۲-۱-۱. شواهد و متابعات

حدیث مذکور دارای شواهد و متابعاتی در نسخه خطی و در مصادر فریقین می‌باشد که عبارت است از:

۲-۱-۱-۱. شواهد و متابعات در نسخه خطی

احمدبن شریف در نسخه خطی احادیثی ذکر کرده که از جهت لفظ و معنا از شواهد و

متابعات حدیث فوق می‌باشد. این احادیث از قول رسول الله ﷺ نقل شده؛ که بدین شرح است:

۱- فمن ذلك روايتهم في الجمع بين الصحيحين الى أم سلمة قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: المهدى من عترتي من ولد فاطمة. «و از این دسته روایات اهل سنت روایتی است در کتاب الجمع بین الصحیحین از ام سلمه (نقل شده است) که گفت: شنیدم از رسول خدا ﷺ که می‌فرمود: مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه (س) است.»

۲- و في كتاب الفردوس عن النبي ﷺ أنه قال: المهدى من ولده، وجهه كالقمر الدرى، لونه لون عربى و الجسم إسرائيلى، يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما، يرضى بخلافته أهل السموات و الأرض و الطير فى الجو، يملك الأرض عشرين سنة. «و در کتاب الفردوس از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرموده: مهدی (عج) از فرزندان اوست، صورتش مانند ماه درخشان است و رنگش رنگ عربی و جثه‌اش، جثه اسراییلی است (قوی بنیه)، زمین را پر از عدل و قسط می‌کند همانگونه که چر از جور و ظلم شده است، به خلافت او اهل آسمانها و زمین و پرندگان در هوا راضی خواهند بود، بیست سال در زمین حکومت می‌کند.»

۳- ومن سنن أبي داوود بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدهر إلّا يوم واحد لبعث الله رجلا من أهل بيتي يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا. «و از سنن ابی داوود با نقل سند ذکر شده که رسول خدا ﷺ فرمود: اگر از روزگار فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند مردی از اهل بیت مرا مبعوث می‌نماید که زمین را پر از عدل و قسط می‌کند همانگونه که پر از ظلم و ستم شده است.»

۴- ومن ذلك ما ذكره أبو محمد الفراء في كتاب المصابيح من حديث يرفعه الى النبي ﷺ أنه ذكر بلاء يصيب هذه الأمة حتى لا يجد الرجل ملجأ يلجأ إليه من الظلم، فيبعث الله اليهم رجلا من عترتي فيملأ الأرض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا، و يرضى عنه ملائكة السماء و الأرض لا يدع السماء من قطرها شيئا إلّا صبّته مدرارا، و لاتدع الأرض من نباتها شيئا إلّا أخرجه حتى يتمنى الأحياء للأموات، أن يعيشوا فتبقى فى ذلك سبع

سنین او تسع سنین. «و از این دسته روایات روایتی مرفوع است که ابومحمد فراء در کتاب المصاییح به پیامبر نسبت داده که ایشان از بلایی که به این امت وارد می‌شود یاد فرموده به نحوی که هیچ کس پناهگاهی برای فرار از ظلم پیدا نمی‌کند پس در این هنگام خداوند مردی از عترت مرا برای این امت مبعوث می‌نماید تا زمین را پر از قسط و عدل می‌نماید همانگونه که مملو از ظلم و ستم شده است، ملائکه آسمان و زمین از او راضی می‌باشند، از باران آسمان چیزی نمی‌خواهد الا اینکه آبشاران بر او فرو می‌ریزد و از رویدنی‌های زمین چیزی طلب نمی‌کند جز آنکه برای او از زمین خارج می‌شود، به نحوی که گمان زنده شدن مردگان می‌رود، پس در این حالت هفت یا نه سال باقی می‌ماند.»

شواهد و متابعات حدیث مذکور در نسخه خطی، در مصادر فریقین به شرح زیر است:

۲-۱-۱-۲. شواهد و متابعات در مصادر فریقین

حدیث فوق شامل دو عبارت می‌باشد «مهدی من ولد فاطمة إبنتی، يظهر فیماً الأرض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً» دارای دو قسمت می‌باشد و در مصادر مهم و مطرح قدمای فریقین با موافقت در لفظ در عبارت نخست نقل شده است، به شرح:

مصادر شیعه

- ۱- ابن شهر آشوب، مناقب آل اَبی طالب، ۲۸۸/۱، ۲- ابن بطریق، عمدة عیون الأخبار فی مناقب امام الأبرار، ۴۳۶، ۴۳۳، ۴۳۸، ۳- ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۱۸۰/۱، ۴- ابن طاووس، التشریف بالمنن و التعریف بالفتن، ۱۷۶، ۲۴۹، ۳۴۴، ۵- طوسی، الغیبة للحجة، ۱۸۶.

مصادر اهل سنت

- ۱- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۶، ۲- طبرانی، المعجم الکبیر، ۲۶۷/۲۳، ۳- دیلمی، الفردوس بمأثور الخطاب، ۲۳۳/۴، ۴- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۴/۶۰۱، ۵- ابن حماد، الفتن، ۳۷۴/۱.

این حدیث با همین الفاظ و به صورت تک جمله‌ای در کتب فریقین از ام‌سلمه از نبی اکرم ﷺ نقل شده است، که مصادر آن در بالا آمده است. اما همین جمله گاهی در خلال یک حدیث طولانی نقل شده که هرکدام از آنها شاهد و متابعی برای مورد نظر می‌باشد. مصادر فریقین که موافقت مضمونی با حدیث دارند عبارتند از:

کتب شیعه

۱- ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۲۴۶/۱، ۲- طوسی، الأمالی، ۱۵۵، ۳- ابن شاذان القمی، الفضائل، ۱۵۸، ۴- طبری، دلائل الأمة، ۴۴۴.

کتب اهل سنت شامل:

۱- السجستانی، سنن ابن ابي داوود، ۱۴۱ق، ح ۴۲۸۴، ۲- الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ۳۸۲/۳، ۳- البیهقی، البعث و النشور، ۱۲۵، ۴- ابن تیمیة، مختصر منهاج السنة، ۴۸۶، ۵- ابن کثیر، البداية و النهاية، ۵۴۱/۱۳.

۲-۱-۲. تحلیل متنی

اعتقاد به امام زمان و نهضت جهانی او در آخر الزمان از امور اتفاقی بین فریقین تلقی می‌گردد و یکی از مسائل مهم و مورد بحث و گفتگو راجع به آن حضرت انتساب ایشان به پیامبر ﷺ است. در روایات وارده در این خصوص تصریح شده که مهدی موعود (عج) از نسل پیامبر ﷺ و فرزند فاطمه (س) می‌باشد. این امر فقط به دلیل انتساب نسب و شرافت حسب مهم نیست، بلکه اشاره به وجود ویژگی‌ها و صفات برجسته و بارز خاندان عصمت و طهارت در شخص منجی دارد، صفاتی که وجود آنها باعث اطمینان قلبی معتقدین و رفع شک و شبهه از مترددین و بسته شدن راه بهانه جویی معاندین می‌گردد. شاید یکی از دلایل تاکید و تصریح در انتساب منجی به نسل پیامبر ﷺ جلوگیری از ظهور مدعیان دروغین و سهولت تشخیص آنها بوده است و لذا برای ممانعت از ظهور مدعیان دروغین و انحراف عقیده ناب مهدویت، نبی اکرم ﷺ بطور صریح نسب مهدی موعود (عج) را با

انتساب به شجره طیبه خود بیان نموده‌اند و بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز ائمه اطهار علیهم السلام در بیانات خود بر این مسئله تأکید داشته‌اند.

مضامین حدیث مذکور در نسخه خطی در کتب شیعه و اهل سنت با الفاظ متفاوت بیان شده است، بطور مثال در کتاب فضائل أمير المؤمنين علیه السلام (ابن حیون، فضائل أمير المؤمنين علیه السلام، ۱۰۸) از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان نموده: «قال: يا فاطمة خذيه، فإنه أبو الأئمة تسعة من ولده أئمة الأبرار و التاسع مهديهم». «ای فاطمه بگیرش (امام حسین) همانا که او پدر ائمه است، نه تن از فرزندان او امامان ابرارند و نهمین آنان مهدی می‌باشد. «و در شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ابن عقدة کوفی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ۳/۳۸۶) آمده است: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة إبتنی». «مهدی از خاندان من است از فرزندان دخترم فاطمه». همچنین در الأحكام الشرعیة الكبرى (ابن الخراط، الأحكام الشرعیة الكبرى، ۴/۵۲۹): «المهدی هو الحق من ولد فاطمة». «مهدی حق و حقیقت است و از فرزندان فاطمه می‌باشد».

در برخی از این احادیث بعد از ذکر انتساب حضرت مهدی (عج) به خاندان نبوت، به بیان مشخصات ظاهری ایشان می‌پردازند. در نسخه خطی از کتاب الفردوس (ابن شرویه الدیلمی، الفردوس، ۴/۲۲۱) از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «المهدی من ولده، وجهه كالقمر للدری، لونه لون عربي و الجسم اسرائیلی، يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يرضى بخلافته أهل السموات و الأرض و الطير في الجوّ، يملك الأرض عشرين سنة». در مصادر شیعه نیز توصیفی از ظاهر آن حضرت شده است: (فیض کاشانی، الوافی، ۴۶۳)، (ابن جریر طبری، دلائل الإمامة، ۴۴۱)، (مجلسی، بحار الأنوار، ۳۵/۵۳، ۹۱/۵۱)، (حرّ عاملی، اثبات الهداة، ۲۲۱).

۲-۲. چگونگی و شرایط ظهور مهدی موعود (عج)

منظور از شرایط ظهور و چگونگی آن زمینه‌ها و شرایطی است که با تحقق آنها ظهور

نیز متحقق شده و آن را منطقی و لازم می‌نمایاند. این شرایط به گونه کامل بر ما روشن نیست، زیرا ظهور همانند غیبت از اسرار الهی است که تنها وقتی پیش آید، بر ما روشن می‌گردد (مجلسی، بحار الأنوار، ۹۱/۵۲). با این حال، می‌توان برخی از این شرایط را به نحو اجمال و سر بسته در روایات بزرگان معصوم (علیهم السلام) بازیافت. یکی از این شرایط پر شدن جهان از فساد است. رسول خدا (ﷺ) می‌فرماید: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي تَكُونُ لَهُ غَيِّبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ يَأْتِي بِذَخِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ (علیهم السلام) فَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. «مهدی از فرزندان من است برای او غیبتی است و در پرده ابهام است، امتها گمراه می‌شوند؛ او با تمامی ذخایر انبیاء می‌آید، پس ایشان زمین را پر از عدل و داد می‌کند همانگونه از ظلم و جور پر شده است.» (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۲۸۹/۱، ۲۸۷/۱).

۲-۲-۱. يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا

یکی از شرایط و زمینه های ظهور در روایات و احادیث فریقین، پر شدن زمین از ظلم و جور است. احمد بن شریف در نسخه خطی حدیثی را در این رابطه از سنن اُبی داوود به نقل از رسول الله (ﷺ) بیان می‌کند که ایشان می‌فرماید: «لو لم يبق من الدهر إلا يوم واحد، يبعث الله رجلاً من أهل بيتي يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً» (اگر فقط یک روز از زمان باقی بماند، خداوند مردی از خانواده من را می‌فرستد، زمین را پر از عدل و داد کند همانطور که پر از ظلم و جور شده است).

۲-۲-۱-۱. شواهد و متابعات

حدیث فوق دارای شواهد و متابعاتی در نسخه خطی و مصادر فریقین می‌باشد که عبارت است از:

۲-۲-۱-۱-۱. شواهد و متابعات در نسخه خطی

احمد بن شریف در نسخه خطی احادیثی ذکر کرده که از جهت لفظ و معنا از شواهد و

متابعات حدیث مذکور می‌باشد. این احادیث به نقل از رسول الله ﷺ بیان شده است؛ که عبارتند از:

۱- لابد من مهدی من ولد فاطمة إبتنی يظهر فيملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً، «یقیناً مهدی (عج) از فرزندان دخترم فاطمه (س) ظهور خواهد کرد و زمین را مملو از عدل و قسط می‌نماید همانگونه که پر از ظلم و جور شده است».

۲- ومن ذالك ما ذكره أبو محمد الفراء في كتاب المصاييح من حديث يرفعه الى النبي ﷺ أنه ذكر بلاء يصيب هذه الأمة حتى لا يجد الرجل ملجأً يلجأ إليه من الظلم، فيبعث الله اليهم رجلاً من عترتي فيملأه الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، و يرضى عنه ملكة السماء و الأرض لا يدع السماء من قطرها شيئاً إلا صبته مدراراً، و لا يدع الأرض من نباتها شيئاً إلا أخرجته حتى يتمنى الأحياء الأموات، أن يعيشوا في ذلك سبع سنين أو تسع سنين.

۳- عن النبي ﷺ أنه قال: المهدي من ولده، وجهه كالقمر الدرّي، لونه لون عربي و الجسم إسرائيلي، يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يرضى بخلافته أهل السموات و الدررض و الطير في الجو، يملك الأرض عشرين سنة.

شواهد و متابعات حدیث منقول نسخه خطی، در مصادر فریقین عبارت است از:

۲-۲-۱-۱-۲. شواهد و متابعات در فریقین

مصادر مطرح قدمای فریقین که حدیث مورد نظر را با موافقت در لفظ ذکر کردند،

شامل کتب زیر می‌باشد:

مصادر شیعیه

۱- ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۱/۱۷۶.

مصادر اهل سنت

۱- ابن الخراط، الأحكام الشرعية الكبرى، ۴/۵۲۷، ۲- المنذرى، مختصر سنن ابی

داوود، ۳/۱۱۶.

حدیث مذکور با همین الفاظ در کتب فریقین عمدتاً از ابن مسعود و حضرت علی بن ابی طالب از پیامبر ﷺ روایت شده است. لازم به ذکر است که این حدیث با الفاظ دیگر با بیان متفاوت در کتب و مصادر دیگر فریقین نقل شده است که بطور اجمال به ذکر آنها می‌پردازیم. مصادر فریقین که موافقت مضمونی با حدیث فوق دارند عبارتند از:

مصادر شیعه

۱- ابن حییون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ۳/۳۸۵، ۲- مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲/۳۴۰، ۳- مفید، الفصول المختارة، ۲۹۷ و ۳۰۳، ۴- مفید، الإفصاح فی الإمامة، ۱۰۲.

مصادر اهل سنت

۱- الخضرمی الإشبیلی، تاریخ ابن خلدون، ۱/۳۹۴ و ۴۰۱، ۲- السجستانی، مناقب الإمام الشافعی ۹۶.

۲-۱-۲- تحلیل متنی

در اسلام ظهور مصلح بزرگ در آخرالزمان (نعمانی، الغیبة، ۱۴۱ و ۲۴۷) در شرایطی که بشر در آتش ظلم و فساد می‌سوزد و پس از ناامیدی مردم (مجلسی، بحارالأنوار، ۶۷/۵۱) امری مسلم است و اعتقاد به آن از ضروریات دین می‌باشد، بویژه در تشیع که بر خلاف ادیان و مذاهب دیگر از ظهور مهدی (عج) تفسیر روشنی ارائه شده. نخستین نشانه‌ای که با مشاهده آن می‌توان نزدیک شدن هر انقلابی را پیش‌بینی کرد گسترش ظلم و تجاوز به حقوق دیگران است، کم‌کم بحران اوج می‌گیرد و لحظه انقلاب نزدیک می‌گردد. زمان دقیق ظهور معلوم نیست و روایات، کسانی که برای آن حضرت زمان تعیین می‌کنند مذمت و لعن شده و دروغگو نامیده‌اند: سألته عن القائم عليه السلام فقال كذب الوقتون إنا اهل بيت لا نوقت، از او (امام صادق عليه السلام) پرسیدم از قائم، فرمود: وقتگذاران دروغ گفته‌اند، ماخاندانی هستیم که وقت‌گذار نیستیم. (کلینی، الکافی، ۱/۳۶۸).

البته تذکر این نکته ضروری است که وجود مواردی از جعل و تحریف در نشانه‌های ظهور باعث آسیب رساندن به اصل مهدویت و ظهور مهدی موعود(عج) نمی‌شود، زیرا تواتر در بسیاری از احادیث مهدویت مورد اتفاق فریقین است. به هر حال این موضوع در بسیاری از روایات اسلامی تحت عنوان «کما ملئت ظلماً و جوراً» آمده است.

۲-۲-۲. اقتدای عیسی علیه السلام به حضرت مهدی (عج)

از ویژگی‌ها و حوادث دوران ظهور که در روایات متعدد منقول در کتب معتبر فریقین به آن اشاره و تصریح شده است، اقتدای پیامبر اولوالعزم الهی حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به حضرت مهدی(عج) در اقامه نماز می‌باشد. اهمیت این موضوع با مذاقه در شأن و منزلت حضرت عیسی علیه السلام نزد پروردگار بیشتر مشخص می‌گردد، از آنجا که خداوند در قرآن از قول حضرت عیسی علیه السلام بر ایشان هنگام تولد و هنگام مرگ و هنگام بعثت دوباره سلام فرستاده است: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۳۳) «و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم»، همچنین خداوند از حضرت عیسی علیه السلام با عنوان قول الحق یاد می‌فرماید: «ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ» (مریم، ۳۴) «این است عیسی بن مریم همان قول حق که درباره او در تردیدند». شأن و عظمت حضرت عیسی علیه السلام خصوصاً نحوه شگفت‌آور و معجزه گونه تولد ایشان بدان حد بود که مسیحیان به اشتباه افتاده و او را به غلط پسر خدا پنداشتند، اقتدای چنین شخصیتی به مهدی موعود علیه السلام که نشان از افضلیت وی بر مسیح دارد خود دلیلی متقن بر عظمت مقام منجی در نزد پروردگار می‌باشد و باعث مطاوعت و متابعت مسیحیان خواهد شد.

احمدین شریف در نسخه خطی از ابو نعیم الحافظ نقل می‌کند: «أَنَّ مِنْ تَكْرِمَةِ اللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ إِنَّ عِيسَى بِنَ مَرْيَمَ يَصَلِّيْ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ عليه السلام» (همانا از ارزشمندی این امت نزد خداوند این است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر مهدی(عج) نماز می‌خواند).

۲-۲-۱. شواهد و متابعات در نسخه خطی

مؤلف روایاتی که شاهد و متابع بر حدیث فوق باشد را در نسخه خطی خود مطرح نکرده است، اما حدیث مذکور دارای شواهد و متابعاتی در مصادر فریقین می‌باشد، که به شرح زیر است:

۲-۲-۲. شواهد و متابعات در مصادر فریقین

مصادر مهم و مطرح قدمای فریقین که حدیث فوق را با موافقت در لفظ نقل کرده‌اند، به شرح ذیل است:

مصادر شیعه

عین عبارت حدیث مذکور در کتب شیعی یافت نشد اما با الفاظ و مضامین دیگر نقل شده است که در ذیل خواهیم آورد.

مصادر اهل سنت

عین عبارت حدیث مذکور در مصادر اهل سنت بدست نیامد، اما با الفاظ گوناگون و مضامین دیگر یافت شد.

مصادر شیعه و اهل سنت که موافقت مضمونی با حدیث دارند عبارتند از:

- کتب شیعه: ۱- کلینی، الکافی ۵۰/۸، ۲- قمی، تفسیر القمی، ۱/۱۵۸، ۳- قمی، تفسیر فرات کوفی، ۴۶۵، ۴- ابن بابویه، الخصال، ۱/۳۲۰، ۵- ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمة، ۲۲/۱ و ۲۸۰، ۶- طوسی، الغيبة، ۱۹۱، ۷- طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ۱/۴۸.
- کتب اهل سنت شامل: ۱- قرطبی، إشرط الساعة و ذهاب الأخیار و بقاء الأشرار، ۴/۱۴۵، ۲- سلمی الشافعی، عقد الدررفی أخبار المنتظر، ۶۵، ۳- قرطبی، التذكرة بأحوال الموتی و أمور الآخرة، ۱۲۰۶، ۴- ابن قیم الجوزیه، المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، ۵۰/۱۴۷.

۲-۲-۳. تحلیل متنی

با مطالعات منابع معتبر نزد مسلمانان و مسیحیان استنباط کیفیت تعامل مهدی

موعود(عج) و مسیح ﷺ امکان‌پذیر است. مطابق احادیث اهل بیت و دیدگاه مفسران، دو آیه در قرآن کریم (النساء، ۱۵۹ و الزخرف، ۶۱) با ظهور حضرت مهدی (عج) و نزول عیسی بن مریم ﷺ ارتباط دارند.

طبق نظر اکثر علماء فریقین این دو آیه با نزول، ظهور و خروج حضرت مسیح همراه با حضرت مهدی (عج) در ارتباطند. قرآن کریم در آیه ۱۵۹ سوره النساء از ایمان اهل کتاب به حضرت مسیح پیش از مرگ خیر داده است و می‌فرماید: «وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِذَا لَبِئُوا مَنْنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش به مسیح ایمان می‌آورد و مسیح روز قیامت بر آنان گواه است»، و هیچ یک از اهل کتاب نیست، مگر این که پیش از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می‌آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود. در تفسیر این آیه روایتی از امام محمد باقر ﷺ بیان شده است که در ذیل بیان می‌شود: قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ قَالَ: قَالَ لِي الْحَجَّاجُ بَأَنَّ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أُعْيِنَتِي، فَقُلْتُ أَيُّهَا الْأَمِيرُ آيَةُ آيَةٍ هِيَ فَقَالَ قَوْلُهُ «وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِذَا لَبِئُوا مَنْنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» وَاللَّهُ إِنِّي لَأَمُرُّ بِالْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ فَيُضْرَبُ عُنُقُهُ ثُمَّ أَرْمَقُهُ بِعَيْنِي - فَمَا أَرَاهُ يُحْرَكُ شَفْتَيْهِ حَتَّى يَخْمُدَ، فَقُلْتُ أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ لَيْسَ عَلَيَّ مَا تَأَوَّلْتَ، قَالَ كَيْفَ هُوَ قُلْتُ إِنَّ عَيْسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا - فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِلَّةَ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّيَ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ، قَالَ وَيَحْكُ أَنِّي لَكَ هَذَا وَ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ بِهِ، فَقُلْتُ حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع، فَقَالَ جِئْتُ بِهَا وَاللَّهِ مِنْ عَيْنِ صَافِيَةٍ. (قمی، تفسیر القمی، ۱/۱۵۸)، (بحرانی، البرهان، ۲/۱۹۷)، (سیوطی، الدر المنثور، ۲/۲۴۱)، (طبرسی، مجمع البیان، ۶/۱۳۹) پدرم برای من از قاسم بن محمد از سلیمان بن داوود منقری از ابی حمزه از شهر بن حوشب روایت کرد، که شهر بن حوشب گفت: که حججاج به من گفت: یک آیه از قرآن مرا متحیر کرده، پرسیدم: ای امیر آن کدام آیه است؟ گفت آیه: و إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ... به خدا سوگند دستور می‌گردن یک یهودی یا

مسیحی را بزنند و خودم تا آخرین رمقش می ایستم و به دقت نگاه می کنم بینم لبها را تکان می دهد و به حقانیت عیسی مسیح (ﷺ) شهادت می دهد یا نه، چیزی نمی بینم؛ بلکه لبها همچنان بسته است تا بدن سرد می شود، با این حال چطور آیه قران خبر می دهد که هر یهودی در دم مرگش به عیسی (ﷺ) ایمان می آورد؟ من به او گفتم: خدا امیر را اصلاح کند. معنای آیه شریفه آنطور که تو فهمیدی نیست. پرسید: پس به چه معناست؟ گفتم: عیسی (ﷺ) قبل از برپا شدن قیامت، عیسی (ﷺ) از آنجا که هست نازل می شود و هیچ اهل ملتی باقی نمی ماند، نه یهودی و نه مسیحی، مگر آنکه قبل از مرگ وی، به او ایمان می آورند و او دنبال مهدی (عج) به نماز می ایستد. حجاج چون این بشنید، از تعجب گفت: وای بر تو، این سخن را از که آموختی و از چه کسی نقل می کنی؟ گفتم: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن اُبی طالب، آن را برایم نقل کرد. پاسخ گفت: به خدا سوگند که از سرچشمه زلال گرفته ای.

و نیز مفسران به استناد آیه ۶۱ سوره الزخرف، بازگشت و ظهور مسیح هنگام ظهور مهدی موعود (عج) را از «اَشْرَاطُ السَّاعَةِ» دانسته اند: «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»، «او (مسیح) سبب آگاهی بر روز قیامت است، هرگز در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است».

طبرسی در ذیل این آیه بیان داشته: «سپس خدای سبحان به ذکر عیسی (ﷺ) برگشته پس می فرماید: وَإِنَّهُ لَعِلْمُ السَّاعَةِ، یعنی نزول عیسی از اَشْرَاطُ السَّاعَةِ است، به سبب آن نزدیکی قیامت دانسته می شود، فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا، یعنی قیامت را تکذیب نکنید و در آن شک نکنید. (طبرسی، مجمع البیان، ۵/۵۴) زمخشری نیز در تفسیر این آیه از تعامل عیسی و مهدی (عج) خبر می دهد (زمخشری، ۴/۲۶۱). بنابراین آخرین پیامبر اولوالعزم الهی پیش از خاتم پیامبران، در عصر ظهور خاتم اوصیاء حضرت مهدی (عج) به زمین بر خواهد گشت و ایشان را یاری خواهد نمود و مسیحیان جهان هم که منتظر بازگشت عیسی (ﷺ) هستند، نزول

۱. اَشْرَاطُ السَّاعَةِ: یا نشانه های قیامت، اصطلاحی قرآنی و حدیثی است و به مجموعه حوادثی گفته می شود که پیش از قیامت رخ می دهد و تحقق آنها نشانه وقوع قیامت (راغب، مفردات، ۳۷۹)، یا نزدیک شدن (راغب، تفسیر نمونه، ۲۱/۴۴۹) آن است. اَشْرَاطُ جمع شرط بمعنی علامت است.

و خروج حضرت مسیح علیه السلام همراه با مهدی موعود (عج) را خواهند دید و موجب همراهی آنان با ایشان (مهدی (عج)) خواهد شد.

مسئله همراهی عیسی علیه السلام با حضرت مهدی (عج) در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت همانطور که در بالا گفته شد به وفور دیده می‌شود اما با واژگان و جملات متفاوتی تبیین شده است، به گونه‌ای که می‌توان درباره آن ادعای اجماع کرد. اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به امام مهدی (عج) در نماز جماعت، از رخدادهای قطعی ظهور است. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند: «ینزل عیسی بن مریم فبقول أميرهم المهدي: عال صل بنا فيقول: لا إن بعضكم على بعض أمراء تكرمه من الله عزوجل لهذه الأمة»، «عیسی بن مریم از آسمان نازل می‌شود پس امیر آنها مهدی (عج) به او می‌گوید: تشریف بیاورید و به امامت ما نماز بگذارید، عیسی علیه السلام می‌گوید: خیر، بعضی از شما بر بعضی دیگر به دلیل کرامت از جانب خداوند عزوجل بر این امت امیر می‌باشید». (صحیح مسلم، ۵۵/۱، إربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۲۶۹/۳، مجلسی، بحار الأنوار، ۸۵/۵۱ و ۸۸).

بنابراین براساس محتوای احادیث اسلامی در عصر ظهور که امام زمان (عج) امامت تامه و مطلقه دارند، حضرت عیسی علیه السلام با حضرت مهدی (عج) بیعت خواهند کرد، رهبری ایشان را می‌پذیرند و با همراهی و یآوری، دشمنان آن حضرت را نابود می‌کنند.

۲-۲-۳. المهدي طاووس اهل الجنة

در بسیاری از روایات علاوه بر ویژگی‌های نسبی منجی موعود، ویژگی‌های ظاهری ایشان نیز بیان شده. بدین صورت که از حسن و جمال حضرت (عج) با صورتی زیبا و قامتی رعنا صحبت به میان آمده است. احمد بن شریف در نسخه خطی حدیثی در این باب از کتاب الفردوس (این شرویه الدیلمی) بیان می‌دارد، که او از ابن عباس از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «و روی مثل ذالک فی کتاب الفردوس المقدم ذكره الی بن عباس أنه قال: قال النبی صلی الله علیه و آله المهدي طاووس أهل الجنة.» (و در کتاب الفردوس که پیش از ابن عباس آمده است، چنین روایت شده که گفت: فرمود نبی صلی الله علیه و آله مهدی طاووس اهل بهشت است).

۲-۲-۳-۱. شواهد و متابعات

حدیث فوق دارای شواهد و متابعاتی در نسخه خطی و در مصادر فریقین می‌باشد که به شرح زیر است.

۲-۲-۳-۱-۱. شواهد و متابعات در نسخه خطی

احمدین شریف در نسخه خطی، یک حدیث از همان کتاب (الفردوس) ذکر کرده که از جهت معنایی از شواهد و متابعات حدیث فوق‌الذکر است.

۱- و فی الكتاب المذكور عن النبي ﷺ أنه قال: المهدى من ولده، وجهه كالقمر الدرى، لونه لون عربى و الجسم إسرائيلى، يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما، يرضى بخلافته أهل السموات و الأرض و الطير فى الجو، يملك الأرض عشرين سنة.

۲-۲-۳-۲. شواهد و متابعات در مصادر فریقین

مصادر مهم و مشهور قدمای فریقین که حدیث مذکور را با موافقت در لفظ ذکر کرده‌اند، شامل کتب زیر می‌باشند:

مصادر شیعه: منبعی در این زمینه یافت نشد.

مصادر اهل سنت

۱- ابن شبرویه الديلمی، الفردوس بمأثور الخطاب، ۲۲۱/۴

از شواهد و متابعات در مصادر فریقین که از لحاظ مضمونی با حدیث منقول قرابت دارد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مصادر شیعه: ۱- ابن بطریق، عمدة العيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار، ۴۳۵،

۲- إربلى، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، ۴۸۱/۱ .

مصادر اهل سنت: ۱- سجستانی، سنن أبى داوود، ۱۷۴/۴، ۲- جوینی خراسانی، فرائد

السمطين، ۳۱۴/۲.

۲-۲-۳-۲. تحلیل متنی

از بررسی روایات برمی‌آید که قامت و رخسار نازنین امام عصر(عج) در کمال زیبایی و

اعتدال است، «بدان که مولای ما حضرت صاحب الزمان (عج) زیباترین و خوش صورت‌ترین مردم است؛ زیرا که شبیه‌ترین مردم به پیغمبر اکرم ﷺ است.» (موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم، ۱/۱۳۲) و سیمای مبارکش دلربا و خیره کننده و این در حالی است که گوینده این روایات رسول الله ﷺ می‌باشد، کسی که خداوند متعال در مورد ایشان می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (النجم، ۳ و ۴) «و از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید، گفتار او چیزی جز وحی که به او نازل می‌شود نیست».

این زیبایی و حسن جمال نه تنها در این دنیا بلکه در فردوس اعلی که کانون جمال است، جایی که صورت یوسف صدیق مانند ماه شب چهارده می‌تابد، جمال عیسی بن مریم و طلعت موسی بن عمران و صورت ابراهیم خلیل الرحمن است، با همه اینها طاووس اهل بهشت امام زمان (عج) می‌باشد، این چه باطنی است که ظاهرش این است. مطلب به قدری سنگین می‌باشد که زبان قاصر است از توصیف و شرح آن.

در نهایت می‌توان گفت که حضرت صاحب الامر متصل‌اند به نور الهی، همان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (النور، ۳۵). «خدا نور آسمانها و زمین است، وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان شیشه‌ای است که آن شیشه گویی ستاره تابانی است از درخت زیتونی پر برکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود، روغن آن نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هرکس را که بخواهد به سوی نور هدایت می‌کند، و خدا برای مردم مثلها می‌زند و خدا به همه چیز داناست.»

۳. نتایج مقاله

صرف نظر از وضعیت سندی احادیث نسخه خطی «منهاج اولی الألباب بنهج السداد و طرق الرشاد» طبق سیره قدما پس از واکاوی شواهد و متابعات فریقین و اعتبار سنجی متنی، نتایج زیر حاصل شد:

- ۱- به دلیل شواهد و متابعاتی که احمدبن شریف در نسخه خود ذکر کرده، و احادیثی که فریقین در مصادر خود آورده‌اند، تواتر اجمالی احادیث محرز گردید.
- ۲- مضمون همه احادیث مطابق با کتاب خدا و موافق با سنت نبوی، ادله عقلی و اجماع اکثریت علماء بوده و دارای وثاقت صدوری است.
- ۳- علمای شیعه در قبول اینگونه احادیث اتفاق نظر داشته ولی نظر علمای اهل سنت در قبول صحت اینگونه احادیث متفاوت است. یقیناً اتفاق نظر علمای شیعه بر اختلاف نظر علمای اهل سنت رجحان دارد و نمی‌توان بواسطه نظر برخی از علمای اهل سنت، احادیث را از اعتبار ساقط کرد.
- ۴- با اثبات صحت مضمونی و وجود شواهد و متابعات منابع فریقین در احادیث مورد نظر در این نسخه خطی، این نتیجه حاصل می‌گردد که ظهور منجی موعود حضرت مهدی (عج) امری قطعی است که نه تنها با روایات مورد معتبر شیعی مطابقت دارد بلکه شواهد و متابعاتی در میان اهل سنت نیز آن را تقویت می‌کند.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، محمد ابوالفضل ابراهیم، مكتبة آية الله مرعشي نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، نسیم کوثر، قم، ۱۳۹۶ش.
۴. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن تیمیة، تقی الدین ابوالعباس احمد بن عبد الحلیم، مختصر منهاج السنة، دارالصدیق للنشر و التوزیع، صنعاء، الطبعة الثانية، ۱۴۲۶ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، شرح نخبة الفكر فی مصطلحات اهل الاثر، كتابخانه مؤسسه علمی فرهنگي دارالحديث، قم، ۱۴۱۰ق.
۷. همو، فتح الباری، دار الكتب العلمية، بیروت، لبنان، ۱۴۲۴ق.
۸. ابن حماد، ابو عبدالله نعیم، الفتن، مكتبة التوحيد، قاهره، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ق.
۹. ابن حنبل، أحمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة، بیروت، لبنان ۱۴۱۶ق.
۱۰. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۱. ابن خلدون عبد الرحمان محمد بن محمد، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر، الطبعة الثانية، بیروت ۱۴۰۸ق.
۱۲. ابن خراط، عبدالحق بن سعید بن ابراهیم الازدی الاندلسی الاشبيلى، الاحكام الشرعية الكبرى، الطبعة الاولى، الرياض، السعودية، ۱۴۲۲ق.
۱۳. ابن شاذان، جبریل بن أبی طالب التمی، الفضائل، مؤسسه ولی العصر للدراسات الإسلامية، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ق.
۱۴. ابن شهر آشوب، مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۵. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن و التعریف بالفتن، مؤسسه صاحب الامر (عج)، قم، ۱۴۱۶ق.
۱۶. همو، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، خیام، ایران، قم، ۱۴۰۰ق.
۱۷. ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، دار هجر للطباعة و النشر و التوزیع و الاعلان، الرياض، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ق.
۱۸. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوينی، سنن ابن ماجه، دارالاحیاء، الكتب العربية، بی جا.
۱۹. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الائمة، بنی هاشم، ایران، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۲۰. البانی، محمد ناصر الدین، سنن ترمذی، مكتبة المعارف للنشر و التوزیع، ریاض، عربستان، ۱۴۲۰ق.
۲۱. ابوانیباد، علمی، تهران، ۱۳۹۸ش.
۲۲. بهشتی نژاد، سید رسول؛ جوانی، هاییل؛ خلاش، مصطفی، تفسیر اهل بیت، امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۳. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، البعث و النشور، مكتبة دار الحجاز للنشر و التوزیع، المملكة العربية السعودية، الرياض، الطبعة الاولى، ۱۴۳۶ق.
۲۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، دارالحديث، قاهره، مصر، ۱۴۱۹ق.
۲۵. جزایری، سید محمد جعفر، هدی الطالب فی شرح المكاسب، دارالکتاب، قم، ۱۴۱۶ق.
۲۶. جمعی از نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامية، مجمع الفكر الاسلامی، ایران، قم، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۲۷. جوینی خراسانی، علی بن محمد، فرائد السمطين، مؤسسه المحمودی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۲۸. خطیب البغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی، تاریخ بغداد، دارالغرب الاسلامی، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ق.

۲۹. خویی، ابوالقاسم، مصباح الأصول، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، قم، ۱۴۲۲ق.
۳۰. ديلمی، إن شبرويه، الفردوس بمأثور الخطاب، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۳۱. زمخشري، جارالله محمدبن عمر، الکشاف، بی تا.
۳۲. سجستانی، محمدبن حسین بن ابراهيم بن عاصم، مناقب الامام الشافعی، الدار الاثریة، الطبعة الاولى، ۱۴۳۰ق.
۳۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابن ابی داوود، المكتبة العصرية، بیروت، صیدا، ۱۴۱۰ق.
۳۴. سخاوی، محمدبن عبدالرحمان، فتح المغیث، قاهره، مصر، المكتبة التوفیقیة.
۳۵. سید رضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۹ش.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تدریب الراوی، دارالفکر، لبنان، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۳۷. شافعی، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز المقدسی السلمی، عقد الدرر فی الاخبار المنتظر و هو المهدی (ع)، مكتبة المنار الزقاء، الاردن، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ق.
۳۸. شانهچی، کاظم، علم الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۷ش.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ناصر خسرو، ایران، تهران، ۱۳۷۳ش.
۴۰. طبرسی، أحمدبن علی، الإحتجاج علی إهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۴۱. طبری آملی صغیر، محمدبن جریر بن رستم، دلائل الامامة، قسم الدراسات الاسلامیة المؤسسة البعثة، ایران، قم، ۱۴۱۳ق.
۴۲. طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة للحجة، دارالمعارف الاسلامیة، ایران، قم، ۱۴۱۱ق.
۴۳. همو، الأمالی، دارالکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۸۱ش.
۴۴. عبدالوهاب عبداللطیف، المعتصر من مصطلحات اهل الاثر من السنة و الشیعة الإمامیة و الزیدیة، ۱۹۵۹م.
۴۵. عروسی حوزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۴۶. علی ناصف، شیخ منصور، التاج الجامع للاصول، دار إحياء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۳۳ق.
۴۷. عهدین، سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، آیات عشق، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۴۸. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر صافی، مكتبة الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
۴۹. قرطبی، حبیب بن سلیمان، الاشراف الساعة و ذهاب الاخبار و بقاء الاشرار، اضاء السلف الطبعة الاولى، ۲۰۰۵م.
۵۰. همو، التذكرة باحوال الموتی و الامور الآخرة، مكتبة دارالمنهاج للنشر و التوزیع، الرياض، الطبعة الاولى، ۱۴۲۵ق.
۵۱. قمی، علی بن ابراهيم، تفسیر القمی، دارالکتاب، ایران، قم، ۱۳۶۳ش.
۵۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۵۳. کوفی، فرات بن ابراهيم، تفسیر فرات کوفی، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران، ۱۴۱۰ق.
۵۴. مامقانی، عبدالله، مستدرکات مقیاس الهدایة، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۹۳۲م.
۵۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۵۶. همو، مرآة العقول، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ق.
۵۷. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور، قم، ۱۴۰۶ق.
۵۸. مفید، محمدبن محمد، الفصول المختارة، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۵۹. همو، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۸۹ش.
۶۱. مندری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، مختصر سنن أبی داوود، مكتبة المعارف للنشر و التوزیع، ریاض.
۶۲. موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم، سیدمحمد حائری، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۲ش.
۶۳. نایینی، محمد حسین، أجود التقريرات، صاحب الأمر، قم، ۱۳۷۷ش.
۶۴. نعمانی، محمدبن ابراهيم، الغیبة، نشر صدوق تهران، تهران، ۱۳۹۷ق.
۶۵. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، بحوث فی علم الاصول، مرکز الغدير للدراسات الإسلامیة، قم، ۱۴۱۷ق.

